

پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی

محمد ابراهیم شمس ناتری*

استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، پردیس قم

توران توسلی زاده

دانش آموخته دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، پردیس قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۹/۲۸)

چکیده:

در جرایم اقتصادی، نتیجه مجرمانه یعنی اخلال در نظام اقتصادی کشور و انگیزه کسب منفعت در سطحی گسترده، دو شاخصی است که دشواری‌ها و چالش‌های پیشگیری از این قبیل جرایم را مطرح می‌کند. تدابیر پیشگیری به تبع دو شاخص فوق، هم باید گسترده و هم باید برهم زننده انگیزه‌ها باشد. در این مقاله با تأکید بر سیاست جنایی ایران و اسناد سازمان ملل، به برخی از مهمترین تدابیر پیشگیرانه وضعی در رویارویی با جرایم اقتصادی پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی:

جرم اقتصادی، پیشگیری وضعی، قواعد اسرار بانکی، بانک اطلاعاتی.

مقدمه

جرایم اقتصادی به طیفی گسترده از رفتارهای غیر قانونی بر ضد نظام اقتصادی گفته می‌شود، که عموماً مصادیق آن بسته به نوع نظام اقتصادی و حتی گونه‌ی حاکمیتی، متفاوت است. هرچند در بادی امر، جهانی شدن با اقتصاد شروع شده و تکامل می‌یابد ولی در نقطه مقابل آن جرایم اقتصادی به شدت وابسته به حقوق بومی و سیاست جنایی کشورهاست و به دلیل همین نسبیتهای که بر مفهوم و مصادیق جرایم اقتصادی حاکم است، در سیاست جنایی سازمان ملل متحد، پیش از آنکه بر جرایم اقتصادی تاکید شود، بر اثر و پیامد آن، یعنی فساد اقتصادی دست گذاشته می‌شود.

پیشگیری از جرایم اقتصادی نیز، پیش از هر چیز تابع درک موقعیت قانونی این جرایم در یک نظام سیاست جنایی از یک سو و امکان تحقق تدابیر پیشگیرانه نسبت به آنها از سوی دیگر است. در راستای پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی، حذف کامل رفتارهای مجرمانه غیر ممکن است، اما «هدف مقبول در این راستا می‌تواند کاهش نرخ جرم باشد که در مورد جرایم مذکور، این نرخ یا آستانه، مربوط به ثبات خود سیستم است» (Biagoli, 2008, p. 89). بنابراین حفظ ثبات و دوام سیستم اعمال تدابیری را ایجاد می‌کند.

بزهکاری اقتصادی ماحصل انگیزه‌ای است که از تعامل بین «تمایل فردی» و «وضعیت» منتج می‌شود. بنابراین «تدابیر پیشگیری از جرم که متوجه اثرگذاری بر یکی از دو شق تمایل فردی به ارتکاب جرم و وقوع وضعیت‌های جرم‌زا است» (Korsell, 2005, p. 7) را در مورد این دسته جرایم نیز می‌توان اعمال کرد و چه بسا برهم زدن تمایل فرد به ارتکاب جرم و به تبع آن وضعیت جرم، که از آن به پیشگیری وضعی یاد می‌کنیم، مهمترین راهکار پیشگیری از جرایم اقتصادی باشد.

پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار از جرایم اقتصادی، با تأثیرگذاری بر وضعیت‌های جرم‌زا، از طریق اتخاذ تدابیر مناسب، مجرمین بالقوه را متقاعد می‌کند که «هزینه» ارتکاب جرم بیش از حد توان آنها است. مشکل بودن کشف جرایم اقتصادی از یک سو و عدم دسترسی کافی به منابع برای کشف و تعقیب آنها و همراه بودن ارتکاب این جرایم با هزینه‌های هنگفت برای جامعه از سوی دیگر، از دلایل مهم افزایش تلاش‌های پیشگیرانه می‌باشد (the Swedish national council for crime prevention, 2004, p. 28). برای توجیه توسل به این تدابیر لازم به ذکر است که «اخلاق معنوی و اجتماعی که در محدوده پیشگیری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، با همه اهمیتی که دارد، برای پیشگیری از همه جرایم کافی نیست. اگر صرفاً به کارایی آن در مقابله با جرم اعتقاد داشته باشیم، لذا کسانی که اخلاق مند هستند، نباید مرتکب جرم شوند، در حالی که همواره چنین نیست. مدیر یک شرکت که گزاره‌های اخلاقی را نیز رعایت

می‌کند، مرتکب جرم مرتبط با شغل و تخصص خود می‌شود؛ مثلاً اسرار و اطلاعات نهان بورس را به طور غیر مجاز و با اعمال نفوذ بدست آورده و بدین ترتیب یک شبه مبالغ هنگفتی را به دست می‌آورد و موجب خسارت به اشخاصی که در معاملات بورس و اوراق بهادار فعالند، می‌شود و به اقتصاد کشور و اعتبار دولت خدشه وارد می‌کند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۶، ص ۵۵). بنابراین به دنبال عدم تکافوی تدابیر پیشگیرانه اجتماعی، توسل به تدابیر پیشگیرانه وضعی از طریق کاهش آماج جرم و وضعیت پیش جنایی امری ضروری و اجتناب ناپذیر می‌نماید. از سوی دیگر "هرچه پیشگیری اجتماعی در ایفای نقش آموزشی و تربیتی خود در زندگی اجتماعی فرد کوتاهی کند، پیشگیری وضعی باید در جهت جلوگیری از گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، فعال‌تر و گسترده‌تر شود (گسن، ۱۳۸۳، ص ۲۵۲). جدا از این، در مورد مجرمین اقتصادی، با توجه به قدرت سازگاری با جامعه، اعتماد به نفس بالا و عدم تأثیر پیشگیری اجتماعی جهت جلوگیری از جرم، پیشگیری وضعی در اولویت قرار می‌گیرد. این رویکرد ما را به تمرکز بر موقعیت‌های خاصی که در آن فرصت‌های جرم فراهم است، رهنمون می‌شود (Newman, 2003, p. 6).

در سیاست جنایی ایران و سازمان ملل متحد، تدابیری پیش بینی گردیده که هم واجد وصف کیفری و هم غیر کیفری اند. تدابیر غیرکیفری خود یا جامعه محور اند یا موقعیت محور که در این نوشتار تنها به برجسته‌ترین راهکارهای پیشگیری موقعیت محور (وضعی) از جرایم اقتصادی اشاره می‌شود:

بند یکم: رفع تعارض منافع

تعارض منافع از زمینه‌های بروز فساد تلقی می‌شود و در صورت عدم توجه و فقدان ضمانت اجراهای مناسب می‌تواند منجر به ارتکاب فساد شود؛ چرا که هنگامی که منافع شخصی فرد در تعارض با منافع شغلی و اداری قرار گیرد، وی (مأمور دولت) ممکن است به حفظ منافع شخصی و ترجیح آن بر منافع دولت، متمایل شود. بدون تردید این روند، یعنی ارتکاب فساد مستقیماً ثبات جامعه را متزلزل کرده، موجب بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی دولت شده، در موارد شدید منتهی به عدم رضایت از دولت به دلیل سکوت در برابر چنین فعالیت‌هایی می‌شد (Reuvid, 1995, p.5).

در حقوق داخلی یکی از قوانین که در راستای جلوگیری از تضاد منافع موثر است، لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷ است که طبق آن برخی مقامات کشوری و لشکری و کارمندان دستگاه‌های دولتی و وابسته به آن، شهرداری‌ها، اشخاصی که به نحوی از خزانه دولت حقوق

یا حق الزحمه مستمر دریافت می‌کنند و برخی شرکتها (با شرایط مقرر شده) حق شرکت در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلس یا شهرداری یا دستگاه‌های وابسته و مؤسسات مقرر در قانون را ندارند و حتی علاوه بر آن، پدر، مادر، برادر، خواهر زن، اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاص فوق‌الذکر نیز از این حق محرومند.

این قانون صرفاً به ممنوعیت انجام معاملات و داوری در دعاوی با دولت می‌پردازد و لذا تصویب قانونی که صراحتاً موارد و اشکال تعارض منافع را اعلام و ساز و کارهای اجرایی جهت پیشگیری از فساد از طریق تعارض منافع را مشخص نماید، ضروری بنظر می‌رسد. البته در سالهای اخیر برخی مقررات به طور موردی به این موضوع پرداخته‌اند که برای مثال می‌توان به نظام نامه اخلاق و رفتار کارکنان گمرک اشاره کرد که در آن اشتغال کارکنان گمرک به تجارت یا حق‌العمل‌کاری و هر نوع حرفه دیگر که با انجام وظیفه آنها در گمرک ارتباط داشته باشد ممنوع اعلام شده است (بند ۱ ماده ۵).

کنوانسیون ملل متحد علیه فساد مالی در ماده ۱۲ وضع مقررات و آیین‌نامه‌های رفتاری را جهت جلوگیری از تضاد منافع برای نیل به مبارزه با فساد مالی ضروری دانسته است. همچنین این کنوانسیون، کشورها را به تصویب و تقویت ساز و کارهایی جهت هر چه شفاف‌تر شدن و جلوگیری از تضاد منافع ترغیب می‌نماید. (بند ۴ ماده ۷) به علاوه بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون مورد بحث مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو باید تدابیری را برقرار نمایند تا مقامات دولتی را ملزم به اعلام سرمایه‌گذاری‌ها، فعالیتهای متفرقه، دارایی‌هایی که می‌تواند با ایفای سمت دولتی ایشان اصطکاک منافع داشته باشد، بنمایند. نیز بند ۵ ماده ۲ ضمیمه مصوبه ۵۱/۵۹ مجمع عمومی ملل متحد راجع به کد رفتاری مقرر نکرده که کارگزاران دولتی باید منافع تجاری، کاری و مالی که ممکن است با منفعت عمومی تعارض داشته باشد را اعلام نمایند.

بند دوم: ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی

نظر به اینکه حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرایم اقتصادی، به ویژه فساد و پولشویی از طریق سیستم‌های پولی و بانکی به جریان افتاده و وارد ساختار اقتصادی کشور می‌شود، لذا توجه به عملکرد این گونه مؤسسات با ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی برای آنها، و اجرای دقیق این سیستم، می‌تواند عامل پیشگیرانه مهمی محسوب شود. با نظارت همواره خطر بر ملا شدن تخلف وجود دارد. به طور کلی ممکن است این نتیجه بدست آید که بین اثرات پیشگیرانه و خطر کشف همبستگی وجود دارد (Korsell, ibid p63). علاوه بر مقررات داخلی، اسناد مهم سازمان ملل به موارد کنترلی مانند تعیین هویت مشتری، حفظ و نگهداری

اسناد و مدارک و گزارش موارد مشکوک، تأکید ورزیده‌اند، که بشرح ذیل و به تفکیک به موارد به آنها پرداخته می‌شود.

الف- شناسایی مشتری: در برخی از کشورها افتتاح حساب با نام غیر واقعی جرم محسوب نمی‌شود. این‌گونه بانک‌ها از اخذ اوراق شناسایی کامل یا گزارش کردن موارد مشکوک به مقامات دولتی خودداری می‌کنند. در حالی که تلاش‌های بین‌المللی در دو دهه اخیر جامعه بین‌الملل را به سمت منع افتتاح چنین حساب‌هایی و تعیین هویت کامل مشتری هدایت و سوق داده‌اند. در همین راستا می‌توان گفت که انتشار اوراق قرضه بی نام نیز که جذابیت فراوانی به ویژه برای پولشویان، با توجه به عدم تشخیص هویت مشتری و دارنده آنها دارد، باید محدود و قانون‌گذاران در این زمینه تجدیدنظر نمایند.

محتوای مقررات حقوق داخلی (ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶) و اسناد مصوب سازمان ملل، دال بر این است که هویت مشتریان بانک‌ها و مؤسسات مالی، به ویژه مشتریان غیر ثابت می‌بایست دقیقاً معلوم شود. در کنوانسیون‌های مذکور علاوه بر توصیه به لزوم احراز هویت مشتریان، بر منع افتتاح حساب‌های بی نام و یا جعلی و با هویت موهوم، تأکید گردیده است.

براساس مواد ۱۱ و ۱۲ دستور العمل شورای پول و اعتبار در خصوص اشخاص حقیقی «شناسایی می‌بایست با ملاحظه مدارک معتبر و با اخذ معرفی نامه معتبر که به امضای حداقل یک نفر از مشتریان شناخته شده مؤسسات مالی مربوطه رسیده باشد و نیز اخذ اطلاعات در مورد سوابق متقاضی از سایر بانک‌هایی که متقاضی با آنها رابطه مستمر بانکی داشته یا دارد با استفاده از گواهی اشتغال به کار و موارد مشابه و سایر روشهای مطمئن به تشخیص مؤسسه صورت پذیرد. نیز باید دقیقاً مشخص شود که شخص حقیقی از جانب خود و یا به عنوان نماینده عمل می‌نماید و در صورت اخیر باید علاوه بر ارائه مدارک فوق، مدارک تأیید شده‌ای از مالکان ذی نفع نیز ارائه نماید و نمی‌تواند براساس راز داری حرفه‌ای از افشای هویت واقعی طرف معامله امتناع نماید. در مورد اشخاص حقوقی نیز علاوه بر موارد فوق، اصل اسناد مربوط به ثبت شرکت یا مؤسسه و ... اساسنامه، شرکت نامه و مدارک معتبر مشابه دیگر جهت شناسایی الزامی است.

قانون مبارزه با پولشویی (بند الف ماده ۷) حاکی از این است که، مقید کردن الزام به شناسایی مشتری به مواردی است که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد (بند الف ماده ۷) بدیهی است که مقید کردن الزام به شناسایی مشتری فاقد توجیه منطقی است، چرا که ممکن است افتتاح حساب (بدون احراز هویت دقیق افراد) جهت تسهیل ارتکاب جرایمی که در آینده امکان ارتکاب به آنها می‌رود باشد و یا اینکه به هنگام افتتاح حساب موارد مشکوک احراز

نشود. ماده ۳ دستور العمل شورای پول و اعتبار، جهت شناسایی مشتری حقوقی توسط مؤسسات مالی و بانکی، اخذ اطلاعات راجع به موضوع فعالیت، صورت های مالی، اسامی و نشانی هیأت مدیره و مدیر عامل و سهامداران بیش از ۲۰ درصد در مورد شرکت ها و نیز مؤسسين هیأت امنا و ارکان مشابه در مورد مؤسسات غیر تجاری و نام و نشانی حسابرس یا حسابرسان را الزامی نکرده است. اما به نظر می رسد که صرف اخذ اطلاعات راجع به موارد مذکور کافی نبوده، می بایست اقدامات مؤثر و مناسبی از سوی بانک ها و مؤسسات مالی به منظور شناسایی عملی و دقیق مشتریان انجام شود؛ از جمله این اقدامات می توان به حصول اطمینان از فعالیت شرکت و عدم اکتفا به صرف اساسنامه و صورت های مالی و نشانی اشخاص، با اخذ مدارک معتبر و کافی در این زمینه اشاره کرد. بند (الف) قسمت یک ماده ۷ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی مقرر می دارد: «در حیطه اختیارات خود و به منظور جلوگیری و شناسایی کلیه اشکال پولشویی، یک نظام جامع نظارتی و اداری داخلی برای بانکها و مؤسسات مالی غیر بانکی، و در صورت اقتضاء سایر دستگاههایی که به طور خاص در معرض پولشویی هستند، ایجاد خواهند کرد. این نظام بر ضرورت شناسایی مشتری، حفظ سوابق و گزارش معاملات مشکوک تأکید خواهد داشت.» همچنین ماده ۱۴ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی نیز با عنوان «اقداماتی جهت پیشگیری از پولشویی» در قسمت (۱) خود به «تشکیل نظام جامع نظارتی و کنترلی داخلی برای بانکها و سازمان های مالی غیر بانکی اشاره می کند.

از مطالعه مقررات مرتبط نظام حقوقی داخلی و مواد مذکور از کنوانسیون های یاد شده، ملاحظه می شود که اولاً دستورالعمل شورای پول و اعتبار ایران هر چند پیش از تصویب آن کنوانسیون ها تصویب و به مرحله اجرا درآمده است، اما مقررات آن از حیث شناسایی مالک منافع، حفظ سوابق و... منطبق با مقررات کنوانسیون مذکور بوده، لیکن از سوی دیگر قانون مبارزه با پولشویی که پس از کنوانسیونهای مورد بحث تصویب گردیده، مقررات آنها را نادیده گرفته، الزام به شناسایی مشتری را مقید بر وجود قرینه ای بر تخلف نکرده است. ثانیاً ضوابط مقرر در بند الف ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی جرمزا بوده و راه را برای ارتکاب این جرم باز می گذارد؛ زیرا الزام به شناسایی مشتری را مقید بر وجود قرینه ای بر تخلف نکرده است، در حالیکه ارتکاب جرم مورد بحث با وصف عدم وجود قرینه ای بر تخلف، امری دور از ذهن نبوده، عادی می نماید.

ب- حفظ و نگهداری سوابق: الزام به حفظ و نگهداری سوابق مربوط به افتتاح حساب، همچون احراز هویت در دستورالعمل شورای پول و اعتبار و نیز در کنوانسیون های مورد بحث سازمان ملل متحد ضروری تلقی گردیده است. اما در این

میان باید به حفظ حریم شخصی افراد در تمام سطوح توجه کرد. لذا فرض بر این است که سوابق خصوصی مجرمانه است، مگر این که قانون، معاملات یا موارد خاصی را مشمول گزارش‌دهی دانسته باشد، بنابراین سوابق نباید برای اهدافی غیر از آن چه که در قانون تعیین شده، استفاده شود.

طبق ماده ۸ قانون مبارزه با پولشویی «هر گونه افشاء اطلاعات یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم توسط مأموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در قانون ممنوع، و ضمانت اجرای آن، محکومیت مطابق قانون مجازات انتشار و افشاء اسناد مجرمانه مصوب ۱۳۵۳ می‌باشد. مؤسسات مالی و پولی می‌بایست در مدت زمانی که طبق مقررات تعیین می‌شود، نسبت به حفظ و نگهداری اسناد و مدارک مربوط اقدام کنند.» طبق ماده ۱۴ مصوبه شورای پول و اعتبار مدت زمان حفظ و نگهداری اسناد و مدارک، ۵ سال می‌باشد.

در خصوص عدم افشاء اطلاعات مربوط به سوابق صاحبان حساب، کنوانسیون‌های پالمو و مریدا ساکت بوده، لکن ماده ۲ قانون نمونه پولشویی ملل متحد در این خصوص مقرر می‌دارد: «مراجع ذی صلاح تحت هیچ شرایطی نباید اطلاعات گزارش‌های یاد شده را به بیرون انتقال دهند و اشخاص ثالثی نیز که از این اطلاعات یا گزارش‌ها آگاهی یابند، نباید آنها را به اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر از موارد مشخص شده در قانون منتقل کنند، مگر اینکه انجام این کار از سوی مراجع ذی صلاح مجاز اعلام شده باشد.»

بند سوم: کاهش نقش دولت در حوزه تصدیگری

مداخله دولت در عرصه اقتصاد بیش از حد وظایفی که کلاسیک‌ها برای آن قایل شده‌اند (تنظیم قوانین و مقررات، تأمین نظم و امنیت، حفاظت از اجرای قراردادها و...) موجب رشد بوروکراسی و بروز پدیده‌هایی مانند رشوه، رانت جویی خواهد شد که هزینه‌های اجتماعی مربوط به آنها، کل جامعه را در وضعیت بدتری قرار می‌دهند. واقعیت این است که از نظر تاریخی مکانیزم بازار بدون وجود یک دولت قوی و نظارت‌گر قادر به ادامه حیات نیست. حتی در کشور پیشرفته سرمایه‌داری مانند ایالات متحده آمریکا نیز بر خلاف تبلیغات گسترده، نظارت شدیدی بر عملکرد بازار وجود دارد.

ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد یکی از روش‌های مؤثر پیشگیری از جرایم اقتصادی می‌باشد. این موضوع تا آن جا اهمیت دارد که در حال حاضر " بیش از یکصد کشور

جهان قانون رقابت دارند و سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۸۰ مجموعه اصول و قواعدی در زمینه رقابت منتشر و در سال ۲۰۰۰ آن را مورد بازنگری قرار داده است. ایجاد چنین فضای رقابتی و کاهش نقش دولت در امور اقتصادی منوط به راهکارهای برجسته زیر است:

الف- خصوصی سازی: خصوصی سازی فرایندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولتها برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری به اجرا در می آورند، واژه "خصوصی سازی" حاکی از تغییر در تعادل بین حکومت و بازار و به نفع بازار است. بنابراین خصوصی سازی در ظاهر «عبارت است از فرآیند انتقال وظایف و تأسیسات یک واحد دولتی به یک واحد خصوصی و یا فروش بیش از ۵۰٪ سهام یک مؤسسه دولتی به بخش خصوصی و در تعریف عمومی تر عبارت است از انتقال و تفویض وظایف دولتی به نیروهای بازار. به تعبیر جدید مؤسسات بین المللی نیز خصوصی سازی عبارت است از مسئول کردن مردم در فعالیت های اقتصادی» (اردشیری، ۱۳۸۶، ص ۳۵۲).

خصوصی سازی را به واقع می توان یک برنامه اصلاحی مقابله با فساد قلمداد کرد (ریبی، ۱۳۸۳، ص ۴۲)؛ چرا که می تواند با خارج کردن دارایی های خاصی از کنترل دولت و تبدیل اقدامات صلاح دینی مقامات به انتخابات های مبتنی بر محرکه های بازار توسط بخش خصوصی از فساد بکاهد. تجربه نشان داده است که هر چه دولتها بزرگ تر و با اختیارات گسترده تر باشند، زمینه های فساد در آنها بیشتر خواهد بود.

روشهای خصوصی سازی را می توان به دو گروه تقسیم بندی کرد: الف: خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت. ب: خصوصی سازی بدون واگذاری مالکیت (اردشیری، پیشین، ص ۳۵۳). در ایران هر چند طبق اصل چهل و چهارم قانون اساسی ساختار اقتصادی کشور، تلفیقی از بخش دولتی، خصوصی و تعاونی بوده است، لیکن اقدامات و عملکردها به گونه ای بوده است که از یک سو عملکرد بخش دولتی روز به روز تقویت شده و از سوی دیگر بخش خصوصی و تعاونی مورد بی مهری قرار گرفته و طی فرآیند، ضعیف تر شده اند تا جایی که بیش از ۸۰٪ فعالیت های درون و برون مرزی کشور تحت سیطره دولت بوده است.

معایب و نواقص ناشی از ماهیت و ساختار اقتصاد متمرکز که خود عامل مهم جرم زایی است، پیرو این است که دولت به عنوان شخصیت حقوقی، تصدی و مدیریت منابع و فرصت های اقتصادی و نیز مسئولیت تخصیص آنها را به عهده دارد. بنابراین دولت مردان بخش عمده ای از این منابع و فرصت ها را به خود یا دوستان یا

بستگان اختصاص می‌دهند و پایه‌های فساد اقتصادی در تخصیص بهینه و مطلوب منابع نیز از این نقطه آغاز می‌شود و به دلیل فوق تصدی های دولتی معمولاً یا رانت خواری یا ایجاد شبهه رانت همراه بوده است. از سوی دیگر، دولت از وظیفه ماهیتی و اصلی خویش که همان اعمال حاکمیتی قوی، مستمر و همه جانبه و نیز سیاست گذاری و هدایت اقتصاد ملی در سطح بین‌المللی است، دور می‌مانند و این امر خود موجب بروز مفسده های اقتصادی و ... است. بر مشکلات فوق، عدم سرمایه‌گذاری کلان و عدم توانایی ایجاد بستر لازم جهت جلب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را نیز باید افزود که خود موجب کاهش تولید درآمد ملی و ایجاد فرصت برای عده کمی که با قدرت پیوند نزدیک تر دارند، می‌شود.

در برابر، آنچه در روند خصوصی‌سازی حایز اهمیت است، شفافیت و ایجاد شرایط رقابت و جلوگیری از انحصار و رانت است. خصوصی‌سازی نیازمند شفافیت در بحث ارزشیابی و حسابرسی اموال و دارایی‌ها و وجود نظام نظارتی قبل از خصوصی‌سازی می‌باشد. برای موفقیت برنامه‌های خصوصی‌سازی، ایجاد طرح‌های قانونی و تجاری منظم برای حمایت از مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران و ایجاد شرایط رقابت لازم است. در خصوصی‌سازی باید حسابرسی عملیات گذشته واحد مورد نظر توسط حسابرسان انجام گیرد تا اطمینان حاصل شود که عملیات گذشته منطبق با موازین قانونی بوده و واحد مزبور به نحو صحیح قیمت گذاری شده و شرکت کنندگان در مزایده تحت شرایط مناسب بوده‌اند. در این صورت سرمایه‌گذاران نیز با خطر کم تر مواجه می‌شوند.

قانون مدیریت خدمات کشوری خود به اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و خصوصی‌سازی و راهکارهای آن و رعایت برنامه‌هایی جهت جلوگیری از انحصار و سوء استفاده های مالی پرداخته است. از جمله ماده ۱۵ این قانون مقرر می‌دارد: «امور تصدی های اقتصادی با رعایت اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری به بخش غیر دولتی واگذار می‌شود. دولت مکلف است با رعایت قوانین و مقررات مربوط از ایجاد انحصار، تضییع حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جلوگیری و فضای رقابت سالم و رشد و توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری و برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد و فراهم کردن زمینه‌ها و مزیت لازم و رفع بیکاری را فراهم نماید.»

در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، نیز تمهیداتی جهت خصوصی سازی اندیشیده شده که عبارتند از: تشکیل سازمان خصوصی سازی، که وکالت واگذاری شرکت هایی که مورد تصویب قرار گرفته‌اند را به عهده دارد (ماده ۱۵ قانون برنامه سوم توسعه)؛ به منظور هماهنگی، نظارت و کنترل فرایند واگذاری و حسن اجرای مقررات هیأت عالی واگذاری به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی تشکیل شد (ماده ۲ قانون برنامه سوم).

ب- آزاد سازی و کاهش انحصار دولتی: آزادسازی شامل اقداماتی به منظور برداشتن کنترل‌های دولتی از بازارهای مالی، کالا و خدمات، کار و بخش‌های خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار می‌باشد. اهم اقدامات در این زمینه عبارتند از: برداشتن کنترل از بازارهای مالی، رها سازی قیمت‌های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت‌های یارانه‌ای، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خاصی و برداشتن انواع تعرفه‌های خارجی و محدودیت‌ها، استفاده از مشارکت سرمایه‌گذاری. به طور کلی منظور از آزاد سازی، کسب منفعت از تجارت جهانی است و ابزارهای اصلی آزاد سازی، حذف موانع غیر تعرفه ای نظیر سهمیه بندی و حرکت به سمت تعریفی کردن مبنای تجارت بین کشورها، حرکت به سمت حذف یا کاهش تدریجی تعرفه‌ها رسیدن به مرحله حذف یارانه های صادراتی و هم چنین کاهش حمایت های داخلی یارانه‌های مختلف ارائه شده به نهادهای مختلف تولیدی و مجموعه ها اقدامات دیگری است که تولید را به سمت عرضه آزاد در اقتصاد جهان هدایت می‌کند.

انحصار به وضعیتی از بازار اطلاق می‌شود که سهم یک یا چند بنگاه و یا شرکت از عرضه یا تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار دارا باشند و یا ورود بنگاه ها یا شرکت‌های جدید به بازار با محدودیت مواجه شود. در اقتصاد دولتی و با مداخله دولت اغلب این انحصارات در دست دولت و اشخاص مرتبط با آن بوده و از طریق اطلاعات و فرصت هایی که دارا می‌باشند و دیگران از آن بی‌بهره هستند، انحصار اقتصاد را در دست می‌گیرند. بنابراین یکی از علل فساد مالی و اقتصادی و نیز برخی دیگر از جرایم اقتصادی نظیر جرایم گمرکی، محدودیت تجاری است. محدودیت های تجاری نمونه های بنیادی و اولیه فرصت های ایجاد شده به وسیله دولتها جهت رانت است. اگر وارد کردن برخی کالاها تابع یک سلسله محدودیت ها باشد، اجازه‌های لازم برای واردات، به یک کالای با ارزش تبدیل شده

و وارد کنندگان، رشوه دادن به مقاماتی که این فرصت‌های استراتژیک را کنترل می‌کنند را مورد ملاحظه خود قرار می‌دهند.

به منظور جلوگیری از انحصار، فصل نهم قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران به قانون رقابت یا قانون ضد انحصار اختصاص یافته که در آن وظیفه شورای رقابت را «نظارت بر کلیه اقدامات رقابتی که توسط بخش‌های دولتی، خصوصی، عمومی و تعاونی اعمال می‌شود، دانسته شده تا از این طریق از ایجاد انحصار در بازار جلوگیری شود.

بند چهارم: اعلام دارایی

الزام کارگزاران به اعلام دارایی‌شان، خواه به عموم مردم و خواه به نهادهای دولتی ضد فساد، به طور موثر از فساد پیشگیری می‌کند. اعلام دارایی‌ها و منافع، هم به کارگزار مورد نظر و هم به دولت در تعیین وجود تعارض منافع کمک می‌کند و ممکن است متضمن محروم شدن از منافع خصوصی یا اختصاص مجدد منافع عمومی به کارگزار دیگری که در موقعیت متعارض قرار ندارد باشد. به طور کلی، الزام کارگزاران به اعلام کامل دارایی خود و دارایی خاص در مراحل مختلف کارشان، مبنای ابزاری را برای مقایسه و شناسایی دارایی‌هایی فراهم می‌کند که از طریق فساد تحصیل شده‌اند. می‌توان به طور متعارف از کارگزاری که در زمان سمت خود دارایی عمده‌ای را تحصیل کرده، خواست تا توضیح دهد این دارایی را از کجا آورده است. «توسل به چنین شیوه‌ای جهت پیشگیری از بروز فساد، ایجاب می‌کند که دولت‌ها، مقامات عمومی ای را که دارایی‌هایشان طی دوره تصدی به شکل نامعقولی افزایش یافته و با توجه به عواید و درآمدهای قانونی شان دلیلی برای چنین افزایشی وجود نداشته تحت پیگرد و مجازات قرار دهند» (دبلیو پاتنی افسو و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

در حقوق داخلی، پیش بینی ساز و کارهای پیشگیرانه برای مقابله با سوء استفاده از مناصب عمومی و قدرت برای عالی ترین مقامات کشور در اصل «یکصد و چهل و دوم» قانون اساسی بیان گردیده است. براساس این اصل «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.» همچنین طبق ماده ۱ «قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری، شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷ اشخاص

موضوع این قانون مکلفند صورت دارایی درآمد خود، همسر و فرزندان را که قانوناً تحت ولایت آنها هستند، به مراجع صالح تسلیم و رسید دریافت دارند».

قانون فوق‌الذکر عملاً در زمره قوانین متروک است؛ به همین دلیل در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای تصویب قانونی راجع به این موضوع از سوی مجلس و دولت صورت گرفته است؛ از جمله «طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران» که در مورخ ۱۳۸۶/۴/۵ به تصویب مجلس رسیده، در این طرح علاوه بر مشمولان اصل ۱۴۲ قانون اساسی، رئیس قوه قضائیه و سایر مقاماتی که از سوی مقام رهبری منصوب می‌شوند، همسر و فرزندان آنها و نیز اعضای مجلس خبرگان، حقوقدانان شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، معاونان رئیس قوه قضائیه و رؤسای سازمان‌ها و دستگاه‌های وابسته به این قوه و معاونان و مشاوران وزراء، معاونان آنها، مشاوران رؤسای سازمان‌ها، سفراء، کارداران، استانداران، فرمانداران و سایر اعضای مصرح در آن موظف به اعلام دارایی به رئیس قوه قضائیه گردیده و شخص رئیس قوه قضائیه و مقاماتی که از سوی رهبری منصوب می‌شوند به مرجعی که رهبر تعیین می‌نماید موظف به اعلام گردیده‌اند. این طرح حساب‌دهی را به اشخاص دارای سمت‌های بالا مانند اعضاء هیأت مدیره، مدیر عامل و بازرسان مناطق آزاد تجاری و ذی حسابها محدود نکرده و در مورد سایر کارکنان دولت، تنها در صورت درخواست رئیس سازمان بازرسی کل کشور موظف به اعلام فهرست دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود می‌باشند که این امر را می‌توان از نکات مثبت این طرح تلقی کرد، زیرا علاوه بر توجیه پذیری از امکان اجرای عملی نیز برخوردار است.

کنوانسیون ملل متحد علیه فساد مالی بر اعلام دارایی مقامات دولتی تأکید و در قسمت ۵ از ماده ۸ خود کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا اقدامات و نظام‌های مورد نیاز مقامات دولتی را ایجاد نماید تا در رابطه با فعالیت‌های بیرونی خود، استخدام، سرمایه‌گذاری، ذخایر مالی و هدایای کلان یا منافی که ممکن است از آن، تضاد منافع در رابطه با وظایف آنها به عنوان مقامات دولتی بروز کند، اظهاریه‌هایی را برای مراجع مربوطه تهیه نمایند.

بند پنجم: ارتقاء شفافیت در بخش دولتی

شرط لازم برای سالم بودن یک نظام اقتصادی، وجود شفافیت مالی در ابعاد مختلف به ویژه شفافیت در عملیات دولتی است، چرا که این جرایم در مقایسه با

جرایم عادی در محیط هایی که ابهام و عدم شفافیت حاکم است ارتکاب می یابد (Rausch, 2006, p. 360). شفاف سازی دولت در وهله اول مستلزم ارائه اطلاعات قابل اعتماد درباره اهداف کلان سیاست های مالی دولت، و سپس انتشار اطلاعات تفصیلی درباره عملیات دولت است. از جمله مصادیق راهبردهای پیشگیرانه وضعی برای کنترل مؤثر جرم، که بازداشتن افراد از نقض قانون و پیشگیری از جرایم اقتصادی را به دنبال دارد، ارتقاء شفافیت در فعالیت ها و معاملات دولتی می باشد (Shaftoe, 2004, p. 99).

از دیدگاه اقتصادی، شفافیت به معنی اطلاع رسانی حقیقی و همه جانبه در عرصه فعالیت های اقتصادی و روشن بودن ساز و کارهای حاکم بر روابط اقتصادی یعنی چگونگی تولید و توزیع ثروت در جامعه است. "شفافیت اقتصادی علاوه بر اطلاع رسانی از طریق رسانه های جمعی و مطبوعات، شامل اطلاع رسانی ناشی از عملکرد مناسب مکانیسم های اقتصادی از جمله مکانیسم قیمت هاست که در نظام بازار رقابتی، اطلاعات صحیح و دقیقی را درباره وضعیت کمیابی منابع در اختیار تولید کنندگان و مصرف کنندگان قرار می دهد و آنها را در تصمیم گیری عقلایی و تخصیص بهینه منابع رهنمون می سازد (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، جلد سوم، ص ۱۶).

به جرات می توان گفت که مهم ترین عامل وضعی موجب فساد، «عدم شفافیت و ضعف در ایجاد آن» است (همدمی خطبه سرا، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶). عدم شفافیت موجب می شود امکان سوء استفاده کارگزاران دولتی که منافع شخصی شان با منافع عمومی یا دیگران در تعارض قرار گرفته فراهم شود و کارگزار به دلیل نبود ساز و کار ویژه ای که منتهی به کشف جرم یا تعقیب می شود، واهمه ای از ارتکاب رفتارهای مجرمانه نداشته باشد، چرا که اساساً احتمال کشف بزه ای که مرتکب شده است را غیر ممکن می داند. و لذا می توان عدم شفاف سازی را شاخص ترین علت ایجاد کننده فساد مالی دانست. لذا هر چه بر رویکرد شفاف سازی در حوزه های مختلف توجه بیشتری مبذول شود، به همان میزان نیز فساد تقلیل می یابد.

تشکیل سازمان شفافیت بین المللی، گامی بزرگ در یادآوری فساد برای همه کشورهای جهان است. بر اساس آمارهای این سازمان، نظام هایی که عملکردشان همراه با شفافیت است برخلاف آنهایی که به صورت پنهانی فعالیت می نمایند، کمتر دچار فساد می شوند. در واقع شفافیت ابزار مهم شناسایی و پیشگیری از ارتکاب رفتارهای مجرمانه در قلمرو فعالیت های اقتصادی و نیز محدود کردن آثار مخرب این جرایم است (Nestor, 2004, p. 350). در این راستا قسمت (ط) ماده ۳۳ «قانون

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت را مکلف نکرده است که با تجهیز دستگاه‌ها و واحدهای مربوطه و با رعایت استانداردها و چارچوب نظام بازرگانی و تجارت الکترونیکی، اقدامات لازم را توسط دستگاه‌های مربوطه برای انجام مناقصه‌ها، مزایده‌ها و مسابقه‌های خرید و فروش کالا و خدمات و عملیات مالی و اعتباری در محیط رایانه‌ای و شبکه‌های اطلاع‌رسانی انجام دهد.

همچنین طبق قسمت (الف) ماده ۲۳ قانون برگزاری مناقصات ۱۳۸۳، دولت موظف به ایجاد بانک اطلاعات و پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات و ثبت و نگهداری اطلاعات و اسناد راجع به فراخوان مناقصه، اسناد مناقصه، روش و مراحل ارزیابی کیفیت مناقصه‌گران، صورتحساب و نتایج ارزیابی‌ها، نام و مشخصات و نحوه انتخاب برنده مناقصه شده است. در ماده ۳ «لایحه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» نیز آمده که متن قراردادهای مربوط به معاملات متوسط و بالاتر، موضوع قانون برگزاری مناقصات و همچنین اسناد و ضامنه آنها و هرگونه الحاق، اصلاح، فسخ و... باید به پایگاه اطلاعات قراردادها وارد شود.

ماده ۹ کنوانسیون مریدا نیز دولتها را به اتخاذ اقدامات لازم به منظور ایجاد روش‌های مناسب در انجام خریدهای دولتی بر مبنای شفافیت، رقابت و ضوابط عینی در تصمیم‌گیری جهت جلوگیری مؤثر از فساد مالی فراخواننده و بر انتشار عمومی اطلاعات مربوطه به تشریفات و قراردادهای خرید از جمله اطلاعات مربوط به مناقصه‌های دولتی و اطلاعات ذریبط و یا مربوط به اعطای قراردادها تأکید می‌ورزد.

بند هفتم: تعدیل قواعد مربوط به حفظ اسرار بانکی

کارگزاران دولتی گاهی به طیف وسیعی از اطلاعات حساس دسترسی دارند و به همین دلیل معمولاً مخاطب قواعد منع‌کننده و یا مقررات راجع به اعلام قرار می‌گیرند. این قواعد با الزامات مثبتی همراه اند تا راز داری حفظ، یا تمهیدات لازم برای جلوگیری از آسیب دیدن یا افشای اطلاعات اتخاذ و ضمانت اجرایی برای افشای عمدی و گاهی اوقات برای بی احتیاطی و بی‌مبالاتی تحمیل شود. قواعد راز داری بانکی مانع مهمی بر سر راه تحقیق و تعقیب جرایم مهمی شناخته می‌شوند که جنبه‌های مالی دارند (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷). لیکن در خصوص جرایم اقتصادی وضع بدین منوال نیست و در مورد مصادیقی از آن، مشخصاً بر نقض قواعد حفظ اسرار بانکی و تعدیل آن به منظور پیشگیری از جرایم یاد شده تأکید گردیده است. پیش‌بینی و اعمال این راهکار پیشگیرانه که به ویژه در

پیشگیری از پولشویی کاربرد دارد و متصدیان و کارمندان بانک‌ها و مؤسسات مالی را مکلف به گزارش دهی موارد مشکوک و اعلام اسرار بانکی مشتریان می‌نماید، موجب می‌شود که مجرمین بالقوه، کشف جرم مذکور را آسان تلقی نکرده، هزینه ارتکاب آن را بیش از منافع آن دانسته و لذا از ارتکاب چنین جرایمی منصرف گردند.

در حقوق داخلی، وفق ماده ۵ قانون مبارزه با پولشویی کلیه بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوق‌های قرض الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه و شهرداری‌ها مکلفند که موارد مشکوک را گزارش نمایند. این گونه مؤسسات پولی و مالی موظفند اطلاعات درخواستی را در موارد مشکوک و یا معاملات بیش از مبالغ مشخص، مطابق قوانین و مقررات مربوطه به مرجع صالح گزارش کرده و در این زمینه به رازداری بانکی یا حرفه‌ای نمی‌توانند استناد نمایند. به بیان دیگر مؤسسات مذکور در موارد لازم مکلف به نقض قواعد رازداری گردیده‌اند. نیز در فصل سوم دستور العمل اجرایی مقررات پیشگیری از پولشویی مصوب... با عنوان «عملیات بانکی مشکوک و نحوه گزارش دهی آن»، البته بدون تعریف معامله مشکوک، شیوه گزارش دهی موارد آنرا به مقام کمیته مسئول نظارت بر امور مبارزه با پولشویی در بانک اعلام نکرده است.

در کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد توسط به این پاسخ پیشگیرانه مشاهده می‌شود. در این راستا ماده ۴۰ کنوانسیون مبارزه با فساد مالی مقرر می‌دارد: «در مورد تحقیقات داخلی درباره جرایم مقرر شده براساس کنوانسیون، کشورهای عضو باید در نظام حقوقی داخلی خود ساز و کارهای مناسبی برای غلبه بر موانعی داشته باشند که ممکن است از اعمال قوانین رازداری بانکی ناشی شود». نیز در گزارش (۱۹۹۸) سازمان ملل، افزایش قواعد رازداری بانکی به عنوان طریق مهم کاهش فرصتهای پولشویی مطرح گردیده است (Clarke, 2001, p.24). به علاوه می‌توان بند الف قسمت ۱ ماده ۷ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی که دولت‌های عضو را به ایجاد نظام جامع نظارتی و اداری داخلی بانک‌ها و ... که معاملات مشکوک را گزارش می‌کنند تأکید می‌نماید را مقرر کرده‌ای در راستای پیش بینی نقض حفظ اسرار بانکی قلمداد کرد.

بند هشتم: ایجاد واحد اطلاعات مالی

به منظور سهولت بررسی معاملات و عملیات مشکوک، ایجاد واحد اطلاعات مالی ضروری است. این واحد مسئول جمع آوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات و موارد

گزارش شده و نیز حسب مورد انتشار و اعلام آنها به مراجع قضایی یا اجرایی جهت اقدام قانونی می‌باشد. مجرمین بالقوه با اطلاع از وجود چنین واحدی که وظیفه جمع آوری، انتشار اطلاعات و اعلام آن اطلاعات به مراجع قضایی یا اجرایی را به منظور تعقیب دارد، کشف سهل و سریع جرم ارتكابی فرضی خود را پیش بینی نکرده، هزینه ارتكاب آن را بیش از منافع آن دانسته، از ارتكاب چنین جرایمی اجتناب خواهند کرد.

در ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی ایران، تشکیل شورایی به نام شورای عالی پولشویی جهت جمع آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد و مدارک، اطلاعات و ارزیابی گزارش‌های واصله، شناسایی معاملات مشکوک و تهیه سیستم‌های اطلاعاتی و هماهنگ کردن دستگاه‌های ذیربط مقرر گردیده که این شورا به ریاست و مسئولیت وزیر امور اقتصادی متشکل از وزراء بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی خواهد بود. ماده ۷ کنوانسیون پالرمو بر تأسیس این واحد با وظیفه گرد آوری، تحلیل و انتشار اطلاعات در خصوص موارد پولشویی تأکید نکرده است. قسمت (ب) بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (مریدا) نیز مقرر می‌دارد که: «کشورهای عضو به منظور ایفای وظیفه به عنوان مرکزی ملی برای جمع آوری، تحلیل و انتشار اطلاعات مربوط به پولشویی احتمالی باید به تأسیس واحدهای اطلاعات مالی توجه کنند». به علاوه ماده ۵۸ این کنوانسیون با عنوان «واحد اطلاعات مالی»، به ویژه به این امر پرداخته، بیان می‌دارد که: «کشورهای عضو جهت جلوگیری و مبارزه با انتقال عواید ناشی از جرایم احراز شده براساس این کنوانسیون و ارتقاء راهها و روشهای بازگردان چنین عوایدی با یکدیگر همکاری خواهند کرد و بدین منظور ایجاد واحد اطلاعات مالی را به عنوان مسئول دریافت، تجزیه و تحلیل و نشر گزارشات مربوط به معاملات مالی مظنون به مقامات صلاحیتدار مورد بررسی قرار خواهند داد.

نتیجه

پیشگیری از جرایم اقتصادی با توسل به دو دسته تدابیر و راهبردها، امکانپذیر است. تدابیر و راهبردهای پیشگیرانه اجتماعی و تدابیر و راهبردهای پیشگیرانه وضعی. راهکارهایی در دو طیف مذکور در پیشگیری از جرایم یاد شده در سیاست جنایی ایران و اسناد سازمان ملل متحد مورد بحث و بررسی قرار گرفت که در

پژوهش حاضر بیشتر بر پیشگیری وضعی تمرکز شده است، هرچند در برخی موارد، اعمال این دو گونه از پیشگیری در کنار هم اجتناب ناپذیر است.

در سیاست جنایی ایران راهبردهایی مختلف در راستای پیشگیری از برخی مصادیق جرایم اقتصادی پیش بینی گردیده است. با این حال نسبت به برخی دیگر یا مقررره ای پیش بینی نگردیده، یا اینکه مقررات جاری خود بعضاً جرم زا هستند (همانند ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶). اما با این حال پر واضح است که با وصف عدم وجود سیاست جنایی منسجم و افتراقی ناظر به پیشگیری از جرایم یاد شده، می‌توان گفت که از سالها پیش سیاست جنایی ایران حاوی مقرراتی ناظر به پیشگیری از این دسته جرایم بوده، به علاوه طی سالهای اخیر نیز با تصویب کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (میردا ۲۰۰۳) در مجلس شورای اسلامی که بموجب قانون مدنی در حکم قانون می‌باشد، و نیز اجازه الحاق به کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (پارمو ۲۰۰۰) از سوی مجلس شورای اسلامی، موضوع مهم پیشگیری از جرایم مذکور در سیاست جنایی کشورمان بیش از پیش در پی یافتن جایگاه خویش است. بدیهی است در توسل به تدابیر یاد شده به منظور تحقق هدف پیشگیری از این جرایم، آنچه که شایسته است این است که پیش بینی تدابیر کافی و مناسب ناظر به یکایک جرایم فوق‌الذکر می‌بایست جامه عمل به خود پوشیده، به گونه‌ای که باید در خصوص هر یک از آن جرایم، راهکار و راهبرد پیشگیرانه خاص پیش بینی شود.

بدیهی است با وضع مقرراتی حاوی این تدابیر و اجرای صحیح آن که بدون شک با اجتماع شرایط لازم نیز همراه است، می‌توان امیدوار بود که پیشگیری وضعی از این جرایم که نسبت به پیشگیری کیفری به مراتب هزینه کمتری را برای دولت به همراه دارد، گام مؤثری در راستای تحقق هدف مورد نظر برداشته خواهد شد. در اینجا ذکر دو نکته راجع به پیشگیری از جرایم مورد بحث در اسناد سازمان ملل متحد ضروری است اولاً، در کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (پارمو)، علاوه بر پیش بینی مقرراتی که متضمن تدابیر پیشگیرانه وضعی ناظر به کلیه جرایم اقتصادی ذکر شده در آن کنوانسیون می‌باشد، مقرراتی نیز پیش بینی گردیده که حاوی راهکارهایی ویژه پیشگیری از هریک از جرایم مذکور کنوانسیون یاد شده می‌باشد. این امر می‌تواند حاکی از این مطلب باشد که تدوین کنندگان کنوانسیون یاد شده با بذل دقت و توجه خاص نسبت به این جرایم، اقدام به تدوین و تصویب آن نکرده، پیشگیری وضعی از جرایم یاد شده در سیاست جنایی آن سازمان از اهمیت

ویژه‌ای برخوردار است. ثانیاً، در کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (مریدا) که اختصاصاً ناظر به پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی می باشد، نیز در ماده‌ای (ماده ۵) سیاست‌ها و اقدامات پیشگیری از فساد را به طور کلی بیان، و طی مواد دیگری راهکارهای وضعی و موقعیت مدار را به کشورها توصیه نکرده است.

در مجموع می‌توان سه راهکار عمده برای پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی در سیاست جنایی ایران پیشنهاد داد: راهکار تقنینی که متضمن قانونگذاری ابتدایی در راستای پیش بینی تدابیر پیشگیرانه لازم که تاکنون پیش بینی نشده اند و قانونگذاری تکمیلی در راستای پیش بینی ضمانت‌اجراهای کیفری، مدنی و اداری برای مفاد کنوانسیون مبارزه با فساد و الحاق به کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی. راهکار اجرایی که متضمن نظارت مستمر و بازرسی پیوسته در نهادهای دولتی و نیز ادارات بخش خصوصی است. راهکار اخلاقی که مبتنی بر تزریق و توسیع قواعد اخلاقی و گزاره‌های وجدانی در همه بخش‌های اقتصادی است. راهکارهای اخلاقی از هر دستاویزی که مبتنی بر وجدان آدمی است به دست می‌آید که از جمله سه مقوله احکام شرعی، افتخارات گذشته مانند دوره تاریخی باستان و الگوگیری از اقدامات مردم کشورهای پیشرو در زمینه پیشگیری از جرایم اقتصادی بیشترین نقش را دارند.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. اردشیری، منصور؛ (۱۳۸۶)، *خصوصی سازی در آموزش عالی*، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۵۵.
۲. دلیلیو اتی افوسو، امه و دیگران؛ (۱۳۸۴)، *چارچوب های حقوقی مقابله با فساد(مالی)*، ترجمه احمد رنجبر، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول
۳. ربیعی، علی؛ (۱۳۸۳) *زنده باد فساد، جامعه شناسی سیاسی فساد در دولتهای جهان سوم*، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۴. عملکرد ستاد ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، دو هفته نامه «برنامه»، شماره ۹۱
۵. گسن، ریمون؛ *تحول سیاست پیشگیری از بزهکاری در فرانسه در پرتو تصویب نامه قانونی ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲*، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری - شماره ۴۹ و ۴۸
۶. لانگست، پیترو و دیگران؛ (۱۳۸۷)، *برنامه های جهانی مبارزه با فساد*، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و حمید بهره مند بگ نظر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، پانیز
۷. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، *اظهار نظر کارشناسی درباره لایحه مدیریت خدمات کشوری*
۸. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، *فساد مالی و اقتصادی، ریشه ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله*، جلد دوم
۹. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، *فساد مالی و اقتصادی، ریشه ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله*، جلد سوم
۱۰. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ (۱۳۸۵)، *جرم شناسی پیشگیری، مباحثی در علوم جنایی (مجموعه تقریرات)*، به کوشش شهرام ابراهیمی

۱۱. همدمی خطبه سرا، ابوالفضل؛ (۱۳۸۳)، فساد مالی، علل، زمینه ها و راهبردهای مبارزه با آن، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ اول

ب- خارجی

- 1- Biagoli, Antonello,(2008),"Financial crime as aThreat to the wealth of nations", journal of money laundering control, Emerald group publishing limited, Vol . 11 No. 1
- 2-Clarke, Ronald V, (2001),"Effective crime prevention : keeping pace with new developments", forum on crime and society,united nations office for drug control and crime prevention, vol. 1 number 1. February
- 3-Del Frate Anna Alvazzi and Pasqua, Giovanni (2000),"Responding to the challenges of corruption", united nations interregional crime and justice, Research Institute, Rome/Milan
- 4-Korsell/ lars Emanuelsson, (2005),"Methods to prevent economic crime", brottsforebyggande radet, Stockholm
- 5-Mark, Pieth, (1999),"The Harmonization of law Against Economic crime, European journal of law Reform", vol. 1 No. 4
- 6-Reuvid, Jonathan, (1995), "The regulation and prevention of economic crime internationally", London, Hogan page ltd
- 7-Nestor, Stilpon (2004), " The impact of changing corporate governance norms of economic crime", journal of financial crime, Henry stewart publications, vol. 11 No.4
- 8-Newman, Graeme R and Ronald V. Clarke, (2003), "Superhighway robbery, preventing e - commerce crime", willan publishing, cullompton, devon, vk
- 9-Rausch, Colette, (2006),"Combating serious crimes, A hand book for policymakers and practitioners", united states institute of Peace Press
- 10-Shaftoe, Henry, (2004), "Crime prevention, facts, fallacies and the future", palgrave macmillan, New York
- 11-The Swedish national council for crime prevention, (2004), "Final account", brottsforebyggande radet.

